

روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه (1357 - 1384)

تاریخ دریافت: 85/4/12 تاریخ درج: 84/11/25
سیده صدیقه حسینی*

روابط خارجی ایران با سایر کشورها، به ویژه با قدرت‌هایی که در سیاست جهانی و معادلات منطقه‌ای ایفاگر نقش می‌باشند، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. یکی از کشورهای اروپایی، که در نظام دو قطبی و پس از آن، به لحاظ داشتن سیاست اعلامی مستقل، حائز اهمیت می‌باشد کشور فرانسه است. در این مقاله تلاش شده روابط سیاسی ایران و فرانسه در فاصله سال‌های 1384 - 1357 با توجه به متغیرهای ساختاری نظام بین‌الملل، محیط منطقه‌ای و ایستارهای ذهنی سیاست‌گذاران دو کشور مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: روابط خارجی، سیاست خارجی، نظام بین‌الملل، ایران، فرانسه، تاریخ روابط خارجی.

مقدمه

جمهوری فرانسه با وسعتی معادل خاک ایران در غرب اروپا قرار دارد. این کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و ارتباط با



در یای مانش، مدیترانه و اقیانوس اطلس و داشتن يك شبکه حمل و نقل آبی داخلی از اهمیت زیادی در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی برخوردار است. روابط خارجی ایران و فرانسه از سال 1357 تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. از يك سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال 1358 شاهد روابط دوستانه دو کشور هستیم. اما بعد از آن به دلیل جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دو کشور، روابط دو جانبه رو به تیرگی نهاد. در خلال جنگ بین ایران و عراق گرچه فرانسه در ابتدا اعلان بی طرفی کرد اما، در ادامه جنگ به طور جدی از عراق حمایت کرد و امکانات زیادی را در اختیار این کشور قرار داد. بعد از اتمام جنگ و دوران بازسازی روابط دو کشور بهبود یافت، اما هم چنان با موانع و چالش‌هایی مواجه بوده است. دوران تنش زدایی در سیاست خارجی ایران را می‌توان در گسترش روابط دو جانبه مؤثر دانست که علی‌رغم موانعی هم چنان ادامه دارد.

در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال هستیم که: روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه پس از انقلاب اسلامی تا به امروز چه تغییراتی را طی نموده و علل آن چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که: روابط ایران و فرانسه با پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق رو به تیرگی نهاد، اما پس از اتمام جنگ و تحول در سیاست خارجی دو کشور روابط دو جانبه تا حدی بهبود یافته است.

1. مباحث نظری

یکی از عوامل مهم در رشته روابط بین‌الملل، فهم عوامل تأثیرگذار بر رفتار خارجی دولتهاست. یعنی این که چه عواملی باعث می‌شود که دولتی به همکاری یا منازعه

با سایر دولت‌ها روی آورد. برای فهم این موضوع، تمایز و تشخیص میان سیاست خارجی دولت‌ها از یک سو و روابط بین‌الملل از طرف دیگر حائز اهمیت است. تحقیقات نشان می‌دهد که سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر دو عامل عمده شکل می‌گیرند که عبارتند از: الف) محیط ذهنی که همان ارزش‌ها و تصورات سیاست‌گذاران است و ب) محیط عینی که خود شامل دو بخش محیط داخلی (شرایط داخلی کشور) و محیط بین‌المللی (محیط منطقه‌ای و محیط جهانی) است. شرایط محیط بین‌الملل که شرایط سیستمی نامیده می‌شود از طریق ایجاد فرصت‌ها و محدودیت‌ها بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. در نتیجه برای فهم سیاست خارجی دولت‌ها به ویژه کشورهای در حال توسعه باید به سه عامل محدودیت‌ها، فرصت‌ها و فشارها توجه نمود. بنابراین برای فهم روابط خارجی ایران و فرانسه باید محیط سیستمی بین‌المللی، محیط منطقه‌ای و محیط ذهنی سیاست‌گذاران دو کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در بحث سیستمی علاوه بر دیدگاه کاپلان باید از نظریه ساختاری کنت والتز یاد کرد، چرا که وی تلاش می‌نماید تا بر اساس سطح کلان ساختاری سیستم بین‌المللی رفتار دولت‌ها را توضیح دهد.

بر اساس این نظریه مهم‌ترین عامل شکل دهنده و حتی تعیین‌کننده سیاست خارجی دولت‌ها، ساختار نظام بین‌الملل است. مطابق این نظریه ساختارهای تک‌قطبی، دو قطبی و چند قطبی تأثیرات گوناگونی بر رفتار و روابط خارجی دولت‌ها می‌گذارند.¹ یعنی این که تعداد قدرت‌های بزرگ در یک نظام موجب شکل‌گیری ساختاری خاص می‌شود که به نوبه خود ایجاد‌کننده نوعی پویایی‌های ویژه و الگوهای اتفاق‌یافته است. زمانی که یک نظام بین‌الملل جای نظام دیگر را می‌گیرد، می‌توان



الگوهای جدید همکاری و منازعه را انتظار داشت. پایان نظام دو قطبی و جنگ سرد را می‌توان تغییر در نظام بین‌الملل و جایگزین یک نظام جدید و در نتیجه نوعی تغییر سیستمی قلمداد کرد. تغییر سیستمی دارای پیامدهایی است و باعث تغییر در الگوهای همکاری و منازعه می‌شود، بنابراین چگونگی روابط خارجی ایران و فرانسه پس از انقلاب را می‌توان تحت تأثیر تحولات سیستمی دانست.

سطح دیگر متغیرها مربوط به سطح منطقه‌ای است. کانتوری و اشپیگل نظام بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابع منطقه‌ای می‌دانند. از دیدگاه آنها هر یک از نظام‌های تبعی همجوار تعامل‌گر با یکدیگر است که پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یکدیگر دارند و گاه احساس همانندی و هویت آنها با اقدامات و طرز تلقی کشورهای که خارج از این نظام تابعه هستند تشدید می‌شود.² کانتوری و اشپیگل برای هر منطقه قلمرو ساختاری مرکزی، حاشیه‌ای و قدرت مداخله‌گر قائل هستند از دیدگاه آنها:

بخش مرکزی به قسمتی اطلاق می‌شود که توجه اصلی سیاست بین‌الملل در هر منطقه به آن معطوف است. بخش حاشیه‌ای شامل کشورهایایی می‌شود که در سیاست منطقه‌ای دارای نقش جانبی‌اند و بالاخره نظام مداخله‌گر مسئول پرداختن به امور کشورهای خارجی است که مشارکت آنها در امور منطقه‌ای حائز اهمیت است.³

با توجه به دیدگاه کانتوری و اشپیگل، منطقه خاورمیانه و به ویژه منطقه خلیج فارس سطحی از تحلیل رفتارهای دو جانبه ایران و فرانسه را تشکیل می‌دهد که متغیرهای برآمده از آن به شدت در روابط دو جانبه مؤثر بوده‌اند. این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های خارجی بوده است و این امر بر روابط

ایران با سایر کشورها از جمله فرانسه تأثیر گذار است.

سطح دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر روابط دو جانبه ایران و فرانسه را باید به سطح کشوری به ویژه منافع ملی، نیازها و امتیازهای ذهنی سیاست‌گذاران دو کشور دانست. در این سطح از تغییر و تحول نیازهای ملی، شرایط محیط داخلی و محیط ذهنی سیاست‌گذاران می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را در جهت‌گیری‌های دو جانبه و نوع تعاملات دو کشور داشته باشد.

در این نوشتار تلاش می‌شود با توجه به مباحث نظری فوق تحولات روابط ایران و فرانسه در فاصله سال‌های 1384 - 1357 مورد بررسی قرار گیرد و در آن نقش متغیرهای تأثیرگذار سطح ساختاری نظام بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی مورد تحلیل قرار گیرد.

2. روابط ایران و فرانسه

الف) روابط ایران و فرانسه از شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا 1359

در ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران روابط بین دو کشور بسیار خوب بود. دولت ژیسکار دستن که سقوط شاه را پیش‌بینی کرده بود و خود را نیازمند ارتباط با ایران می‌دانست به عقاید انقلابی مردم ایران احترام می‌گذاشت. در جریان انقلاب اسلامی ایران در 1978م، به دلیل اقامت امام خمینی(ره) در نوفل لوشاتو، فرانسه به طور جدی با مسائل انقلاب درگیر بود. در این دوران افکار عمومی فرانسه موافق روند انقلاب ایران بودند و گاهی جراید فرانسوی انقلاب ایران را به انقلاب فرانسه تشبیه می‌کردند. اقامت کوتاه مدت امام در نوفل لوشاتو و نقش رسانه‌های گروهی فرانسه در انعکاس نظرات رهبر انقلاب در پیروزی انقلاب اسلامی ایران اهمیت زیادی

داشت.

در این دوران اولین مصاحبه طولانی امام با روزنامه های غربی در روزنامه «لوموند» به چاپ رسید و «لوموند» جنبش آزادی بخش ایران به رهبری آیه الله خمینی را نیروی کلیدی در شورشها عنوان کرد. این روزنامه در 31 اکتبر 1978 م با نوشتن مقاله ای تحت عنوان «ما در حال گذراندن سال 1789 (سال انقلاب کبیر فرانسه) هستیم» نشان داد که به معیار ذهنی مردم ایران در شورشها دست یافته است.⁴

در این مرحله به نظر می رسد ایستارهای ذهنی ملت و دولت فرانسه نسبت به انقلاب ایران دارای اهمیت است و محیطی ذهنی در حال شکل گیری است که بخش مهمی از آن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اعلام اصول و اهداف سیاست خارجی ایران شکل گرفته بود. پیروزی انقلاب ایران نقطه آغاز تحقق عینی شکل گیری ایستارهای ذهنی متضاد و تیرگی در روابط دو جانبه محسوب می شود. هم چنین زمینه های تیرگی روابط ظاهر شد که محیط ذهنی - روانی در آن تأثیر گذار بود. برخی از این زمینه ها به صورت زیر می باشد:

1. سیاست خارجی انقلابی ایران: دولت فرانسه پس از آگاهی از سیاست خارجی جدید ایران که مبتنی بر اصول انقلابی مانند نفی کامل و بدون قید و شرط سلطه آمریکا و هم پیمانانش بر ایران و پشتیبانی از حرکت های اسلامی و دوستی با دولت های مستضعف بود، در سیاست خود نسبت به ایران تغییراتی ایجاد نمود. ایران اسلامی در سیاست خارجی خود، سیاست نه شرقی - نه غربی را اعلان نمود که براساس آن در تقابل با ساختار نظام بین الملل، با هرگونه اعمال نفوذ و سلطه جویی بلوک های قدرت مخالفت نمود. این سیاست به معنای استقلال عمل ایران از ساختار دو قطبی بود که هر دولتی باید به یکی از این بلوک وابسته می بود. از سوی دیگر

ایران در سیاست خارجی خود، خواستار تغییر وضع موجود و برقراری برابری و عدالت در روابط میان کشورها گردید و از حرکت‌های ضد نظام ملل محروم و مستضعف حمایت کرد. این سیاست از جانب قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و شوروی و هم چنین فرانسه که در بلوک غرب قرار داشت پذیرفته شده نبود. لذا ایستارهای منفی فرانسه نسبت به ایران تقویت شد و هم گام با قدرت‌های حافظ وضع موجود برای افزایش محدودیت‌ها و فشارهای محیطی علیه ایران حرکت کرد.

2. پناه دادن فرانسه به ضد انقلابیون و فراریان: با توجه به ایستارهای منفی سیاست‌گذاران فرانسوی نسبت به سیاست خارجی ایران، دولت فرانسه نسبت به اعدام سران رژیم سابق در ایران اعتراض نمود و با پذیرفتن بختیار در خاک خود و پس از آن پناهنده شدن بنی صدر و رجوی و حمایت فرانسه از آنها، روابط دو کشور تیره شد. این تیرگی روابط با روی کار آمدن سوسیالیست‌ها بیشتر شد. این مسئله از یک سو و گروگان‌گرفته شدن دیپلمات‌های آمریکایی از طرف دیگر سبب شد که فرانسه در کنار آمریکا دست به تبلیغات علیه ایران بزند و این امر موجب شد که روابط دو کشور در تیر 1359 به سطح کاردار تنزل یابد.

3. لغو قراردادهای منعقد شده بین ایران و فرانسه در زمینه تجهیزات اتمی: از سوی دیگر پس از پیروزی انقلاب، وزیر امور خارجه وقت اعلام کرد که ایران سهام خود را از شرکت «اورودیف» خارج می‌کند و متعاقب آن لغو قراردادهای صنایع سنگین، ساخت اتومبیل‌های سواری و مبادلات کشاورزی را اعلام نمود. این مسئله سبب شد که شرکت‌های فرانسوی زیان دیده برای جبران خسارت خود به دادگاه‌های این کشور شکایت کنند. دولت فرانسه نیز به دلیل حمایت از انقلاب ایران انتظار داشت که دولت ایران با

شرکت های فرانسوی رفتار بهتری داشته باشد، اما به دلیل جو انقلابی آن زمان باتمام شرکت ها رفتاری یکسان صورت پذیرفت. هم چنین وضع مجازات های سنگین اقتصادی از سوی آمریکا و جامعه اقتصادی اروپا علیه ایران و همراهی فرانسه با آنها و تصمیم فرانسه مبنی بر جلوگیری از ارسال سه ناوچه تندرو که در زمان شاه سفارش داده شده بود موجب تیره تر شدن روابط سیاسی میان دو کشور گردید. (ب) روابط ایران و فرانسه در زمان جنگ (1367 - 1359)

با آغاز جنگ ایران و عراق، روابط فرانسه با ایران رو به تیرگی نهاد، زیرا در معادله جنگ ایران و عراق، کشور عراق به دلیل سابقه روابط با فرانسه از اهمیت زیادی برخوردار بود و رژیم عراق هم در پی برقراری روابط با کشورهای اروپایی از جمله فرانسه بود. تهاجم وسیع عراق به ایران در 31 شهریور 1359 باعث افزایش همکاری میان فرانسه و عراق در زمینه تسلیحات نظامی شد. در واقع علل حمایت فرانسه از عراق عبارتند از:

1. دست یابی به نفت و بازارهای پرسود تسلیحاتی و تجاری عراق و سایر هم پیمانانش؛
 2. رابطه نزدیک میان عراق و عربستان که می توانست منافع مورد نظر فرانسه را تأمین نماید؛
 3. شکست عراق باعث هدر رفتن ده سال فعالیت اقتصادی فرانسه در این کشور می شد؛
 4. ضدیت فرانسه با ایران و خطر سرایت انقلاب به سایر کشورهای منطقه؛
 5. با نزدیکی به عراق، در واقع نزدیکی خود با اسرائیل را که عرب ها با آن مخالف بودند جبران می کرد.
- در مجموع می توان موضع گیری فرانسه در قبال حمله عراق به ایران را به دو مقطع تقسیم

نمود: مقطع اول از ابتدای تجاوز عراق به ایران بود که به دلیل ضعف نیروهای نظامی ایران، موضع بی‌طرفی اتخاذ نمود و خواستار پای بندی دو طرف به قرارداد های تسلیحاتی بود. اما در مقطع دوم به دلیل از بین رفتن توازن قوا در جبهه ها و برتری نیروهای نظامی ایران، فرانسه حمایت گسترده خود از عراق را اعلام نمود. در این زمان میدتران در جریان سفر خود به مصر در سال 1982م. در دیدار از قاهره اعلام نمود که «ما مایل نیستیم عراق در جنگ مغلوب شود؛ موازنه نظامی باید میان جهان عرب و ایران حفظ شود.»⁵

به این ترتیب روند تحویل تجهیزات نظامی به عراق توسط فرانسه ادامه پیدا کرد و در زمانی که جنگ در جبهه ها به نفع ایران شد، عراق آتش بس را قبول نکرد و فرستادن سلاح های جدید به عراق ادامه یافت. در سال 1983م، پنج فروند هواپیمای سوپر اتاندارد فرانسوی مجهز به موشک های اگزوسه به عراق تحویل داده شد. در اوایل 1983م. طارق عزیز طی سفر به پاریس چندین قرارداد نظامی با مقامات بلند پایه فرانسه امضا نمود. قسمت عمده معاملات دو کشور در باره خرید جنگ افزار توسط عراق و فروش نفت به فرانسه بود. عراق از 1977 تا 1985م. حدود 11/8 میلیارد دلار جنگ افزار مدرن از فرانسه خریداری کرده و بهای آن را با فروش نفت خام به فرانسه پرداخت کرده است. در واقع خطر تهدید انقلاب اسلامی علیه سیستم حاکم بر منطقه و بازیگران اصلی و فرعی آن، فرانسه و تمامی قدرت های موجود را وادار کرده بود که از عراق حمایت نمایند.

تحلیل غربی ها و فرانسه بر این پایه استوار بود که پیروزی ایران بر عراق، جغرافیای سیاسی منطقه را عوض می کند و علاوه بر این، حیات سیاسی رژیم های منطقه را با خطر نابودی رو به رو می سازد و هم چنین خسارت



جبران ناپذیری را نیز بر منافع غرب در این منطقه وارد می‌کند. در اوایل دهه 1987م. جنگ ایران و عراق از حالت منطقه‌ای خارج شده و صبغه‌ای بین‌المللی یافت که این امر به علت بالا گرفتن نبردهای زمینی، تشدید حملات علیه کشتی‌ها و تأسیسات نفتی و به میدان آمدن کشورهای دیگر منطقه در جنگ بود. ادامه این وضعیت، کشورهای دیگر از جمله شورای همکاری خلیج فارس، مصر، اردن، فرانسه و حتی شوروی و آمریکا را متقاعد ساخت که هزینه‌ها و خطر گسترش جنگ برای ثبات منطقه و صلح بین‌المللی بسیار بیشتر از منافع آن است، به ویژه که کمک‌های نظامی و اطلاعاتی غرب از جمله فرانسه نتوانسته بود برتری خاصی برای عراق به وجود آورد. زیرا نیروهای ایرانی همچنان به پیش روی خود ادامه می‌دادند، تصرف منطقه استراتژیک فاو توسط ایران و حملات مداوم برای تصرف بندر بصره و نیز تصرف شلمچه از جمله این پیروزی‌ها بود و این هشدار بود برای کشورهای منطقه و قدرتهای بزرگ که ممکن بود حتی به پیروزی نظامی ایران ختم شود.

بنابراین با توجه به تحولات فوق، کویت به علت آسیب‌پذیری در قبال اقدامات تلافی‌جویانه ایران در نوامبر 1986م. از تمامی اعضای شورای امنیت درخواست کمک نمود. به این ترتیب وخامت رو به افزایش اوضاع، باعث حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه بعد از تصویب قطعنامه 598 از جانب شورای امنیت گردید و فرانسه نیز به بهانه اجرای این قطعنامه و برای فشار هرچه بیشتر به ایران وارد منطقه خلیج فارس گردید.

در واقع می‌توان گفت که قطعنامه 598 شورای امنیت بارزترین نوع همکاری میان سیاست فرانسه و دو ابر قدرت برای کنترل جنگ و ایفای نقش موازنه دهنده از جانب آنان به شمار می‌رفت. فرانسه در این زمان توجه خود

را به دو پدیده معطوف نموده بود: یکی تحولات قیمت نفت در رابطه با جنگ ایران و عراق و دومی رشد بنیادگرایی در کشورهای حوزه خلیج فارس، که به نظر فرانسه عامل برهم زننده ثبات منطقه به شمار می‌رفت. لذا عنصر اصلی سیاست خارجی فرانسه در منطقه خلیج فارس مبارزه با این دو موضوع بود. مسئله مهم دیگری که در موضع‌گیری فرانسه علیه ایران بی‌تأثیر نبود، خدثی نمودن آثار نزدیکی فرانسه به اسرائیل در نزد اعراب بود که با حمایت از عراق به این هدف خود دست می‌یافت. مجموع سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های فرانسه نسبت به عراق در خلال جنگ باعث تأثیر منفی بر روابط میان ایران و فرانسه شد. به گونه‌ای که روابط میان دو کشور به سطح بسیار پایینی تنزل یافت و ایران، فرانسه را به دلیل حمایت‌های همه‌جانبه از عراق محکوم نمود. البته این تیرگی روابط دلایل دیگری هم داشت که عبارت بودند از:

1. بمب گذاری در پاریس در سپتامبر 1986 م: در جریان این بمب گذاری 9 نفر کشته و بیش از 150 نفر زخمی شدند. پلیس در این رابطه مقرر گروهی از مسلمانان شیعه را که خود را حزب الله می‌نامیدند کشف نمود. به دنبال آن 57 عرب بازداشت و 27 تن از آنان از فرانسه اخراج شدند. در این رابطه هشت دانشجوی ایرانی نیز از فرانسه اخراج شدند.

2. درخواست فرانسه مبنی بر بازجویی از وحید گرجی دیپلمات ایرانی: با این که دولت فرانسه به عدم دخالت ایران در بمب گذاری سپتامبر 1986 پی برده بود، اما خواهان بازجویی از وحید گرجی بود. این امر با اعتراض ایران روبه‌رو شد. زیرا گرجی از کارمندان سفارت ایران بود و این امر مخالف کنوانسیون وین بند 1، ماده 30 بود. در این



زمان به خانه گرجی حمله شد و دیپلمات دیگر ایرانی به نام محسن حسین زاده در قسمت فرانسوی فرودگاه ژنو مورد ضرب و شتم قرار گرفت.⁶ در این زمان فرانسه دستور ترك خاک ایران را به فرانسویان مقیم ایران داد، و پلیس فرانسه از 29 ژوئن 1987 سفارت ایران را محاصره کرد. ایران هم مقابله به مثل انجام داده و سفارت فرانسه در تهران را محاصره کرد. به دنبال این حادثه و هم چنین مورد اصابت قرار گرفتن چند کشتی فرانسوی در خلیج فارس (22 تیر 1366)، در تاریخ 26 تیرماه 1366 وزارت خارجه فرانسه بیانیه‌ای را مبنی بر اعلام قطع مناسبات دیپلماتیک با ایران منتشر ساخت و روابط دو کشور به طور کامل قطع گردید.

پس از قطع روابط، بحث در مورد چگونگی بازگرداندن دیپلمات ایرانی، وحید گرجی و کنسول فرانسوی ژان پل توری ادامه داشت. در نتیجه مذاکرات، گرجی و توری با یکدیگر مبادله شدند و بعد از گذشت حدود ده ماه، راه برای حل اختلافات تا حدودی هموار گردید.⁷ جهتگیری ژاک شیراک برای رفع اختلافات دو کشور در روزهای پایانی جنگ و تصمیم دولت ایران مبنی بر جدا سازی حساب آمریکا از کشورهای اروپای غربی باعث شد تا روابط دو جانبه براساس تفاهم و منافع متقابل برقرار و تقویت گردد. شیراک در اولین سخنرانی خود در مجمع ملی فرانسه از ایران به منزله کشوری بزرگ یاد کرد و اظهار امیدواری کرد که بتواند با ایران وارد مذاکره شود. ایران در این زمان برای عادی سازی روابط خود با فرانسه سه شرط داشته و بر آنها تأکید می‌کرد:

1. خودداری فرانسه از حمایت مخالفان ایران و اخراج مسعود رجوی؛
2. رفع اختلافات مالی؛

3. محدود نمودن کمک‌های نظامی به عراق.

بنابراین پس از مذاکراتی که میان نمایندگان دو کشور صورت گرفت. دولت ایران و فرانسه توافق کردند که از تاریخ 16 ژوئن 1988 م. روابط سیاسی خود را از سرگیرند و به دنبال آن سفرای دو کشور (علی آهنی و کریستین گراف) در تیر 1367 استوار نامه‌های خود را تسلیم رؤسای جمهور دو کشور نمودند. به دنبال این مسئله، وزرای خارجه تهران و پاریس در مذاکرات بر سر اختلافات مالی با یکدیگر توافق کردند. فرانسه از یک میلیارد دلار بدهی خود مبلغ 630 میلیون دلار آن را طی دو قسط به ایران پرداخت کرده بود، ولی پرداخت مرحله سوم و نیز بهره مطالبه شده توسط ایران با اشکال مواجه گردید. در 29 دسامبر 1991م. ایران و فرانسه قراردادی امضا نمودند و توافق کردند که بقیه این وام به ایران پرداخت شود. در همین حال اعلام شد که میزان تجارت دو کشور در سال 1991م. به بالغ بر 12/5 میلیارد فرانک فرانسه رسیده است. به طور کلی علت بهبود مناسبات بین ایران و فرانسه در طی سال‌های 68 - 1367 را می‌توان این موارد دانست:

1. تمامی گروه‌های فرانسوی توسط حزب الله آزاد نشده بودند، بنابراین دولت فرانسه هنوز هم به میانجی‌گری ایران نیاز داشت؛
2. جنگ بین ایران و عراق پیروز نداشت و چون فرانسه از اعضای دائم شورای امنیت محسوب می‌شد ایران نیازمند حمایت و نظر این کشور بود.

ج) زمینه‌های گسترش و تعمیق روابط دو جانبه (1384 - 1367)

پس از پایان جنگ بین ایران و عراق، فرانسه خواستار شرکت در برنامه‌های بازسازی ایران بود. زیرا حیات اقتصادی فرانسه در گرو



تجارت خارجی و مبادلات اقتصادی با سایر کشورهاست. در واقع از 1983م. به بعد ما شاهد بهبود روابط میان ایران و فرانسه هستیم، زیرا این کشور به دلایل اقتصادی، سیاسی و استراتژیک به بازار ایران نیاز داشت. هم چنین به ثبات سیاسی در ایران پی برده بود. و نیز به دلیل اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز، فرانسه از دیپلماسی مماشات در مورد ایران استفاده کرد و امتیازات محدود و تدریجی به ایران اعطا نمود.

ایران نیز برای بازسازی کشور پس از جنگ نیازمند همکاری با سایر کشورها بود. هم چنین ایران برای اجرای دقیق بندهای قطع نامه 598 و عدم مذاکره در چهار چوبی خارج از مفاد قطع نامه نیازمند حمایت دولت های دیگر از جمله فرانسه (به منزله یکی از اعضای دائم شورای امنیت) بود.

به این ترتیب دو کشور در جهت رفع موانع موجود، در راه گسترش همکاری های دو جانبه در صحنه بین المللی گام برداشتند. اولین گام در این روند، مسافرت یک هیئت از ایران مرکب از وزیر بازرگانی و رئیس بانک مرکزی به فرانسه جهت مذاکره با مقامات فرانسوی بود. ولی به دلیل تحریم خرید نفت از ایران توسط فرانسه این مذاکرات با مشکلاتی رو به رو شد.

به تدریج با گسترش روند ارتباطات، یک هیئت فرانسوی برای مذاکره درباره روابط دو جانبه در 5 آذر 1367 وارد ایران شدند. با گسترش مناسبات سیاسی، فرانسه، مسعود رجوی را از خاک این کشور اخراج کرد و با میانجی گری ایران، حزب الله لبنان نیز چند تن از گروگان های فرانسوی را آزاد کردند. اما مدتی بعد و در آستانه سفر فرانسوا میتران، رئیس جمهور فرانسه به تهران، شاهپور بختیار در پاریس به قتل رسید.

پس از قتل بختیار، دولت فرانسه اقدام به

دستگیری چند مظنون کرد و از جمله از دولت سوئیس خواست تا سرحدی زاده، کارمند وزارت خارجه ایران را به پاریس بازگرداند. پس از محاکمه متهمان قتل بختیار در پاریس و با سفر دبیر کل وزارت امور خارجه فرانسه به تهران، روابط دو کشور دوباره رو به بهبودی نهاد.

با روی کار آمدن ژاک شیراک (همان طور که قبلاً گفته شد) وی مخالفت خود را با انزوای ایران اعلام کرد. استقبال آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران، از اظهارات شیراک راه تازه ای را در روابط تهران - پاریس باز کرد.

ماجرای سلمان رشدی، رکود اقتصادی - سیاسی در روابط تهران - پاریس ایجاد کرد و پس از آن فرانسه در بحران میکونوس جبهه ای کاملاً ضد ایران اتخاذ کرد. فرانسوی ها نیز با نفوذ دیگر کشورهای اروپایی، سفیر خود را از تهران فرا خواندند و وقتی به دستور رهبر ایران قرار شد سفیر آلمان آخرین سفیری باشد که به تهران باز می گردد. سفیر فرانسه نیز تا آخرین لحظه در کنار سفیر آلمان باقی ماند و هم زمان با او وارد تهران شد.⁸

در عین حال نقش بازدارنده فرانسه در برابر تحریم های اعلام شده آمریکا علیه ایران غالباً مثبت بوده است. به دنبال تصمیم دولت آمریکا مبنی بر اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران (داماتو) دولت فرانسه اعلام نمود که با این اقدامات مخالف است. هم چنین در پی پیروزی ژاک شیراک در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه (17 اردیبهشت 1374) وی اعلام کرد، من برخلاف خیلی از کسانی که معتقدند باید ایران را منزوی و روابط مان را با این کشور محدود کنیم «معتقدم باید روابط فرانسه با ایران گسترش پیدا کند، برای این که ما نمی توانیم به دلیل این که دولت ایران در بعضی جاها



روش تندی دارد، ایران را کنار بگذاریم، اگر ما ایران را منزوی کنیم روش آن کشور شدیدتر خواهد شد.»⁹

رئیس‌جمهور ایران نیز طی ارسال پیام تبریک به ژاک شیراک ابراز امیدواری کرد که افق تازه‌ای در روابط بین دو کشور پدید آید. با روی کار آمدن شیراک نقاط تماس‌های زیادی در سیاست خارجی تهران و پاریس به وجود آمد. از جمله حل مسئله الجزایر، ایجاد توازن بین اهداف آمریکا و اروپای متحد و ترسیم سیاست‌های اصولی فرانسه در خاورمیانه و خلیج فارس و مدنظر قرار دادن ایران به مثابه بزرگ‌ترین قدرت منطقه.¹⁰ و در نهایت ورود شرکت نفتی «توتال» به میدان‌های نفتی ایران به جای شرکت آمریکایی «کونکو» در روابط اقتصادی تهران - پاریس گامی مثبت محسوب می‌شود.

از سوی دیگر پس از انتخابات دوم خرداد و پیروزی آقای خاتمی که موجب جهت‌گیری‌های جدیدی در سیاست خارجی ایران گردید، روابط فرانسه با ایران که به صورت تابعی از روابط با اتحادیه اروپایی در آمده بود از شتاب بیشتری برخوردار شد. آنان وی را مرد اصلاح طلب نامیدند. فرانسه اعلام کرد که از اصلاحات در ایران حمایت می‌کند، ولی جانب احتیاط را نیز در نظر می‌گیرد. تنش‌زدایی و تفاهم بیشتر با کشورهای مسلمان در منطقه خلیج فارس، حوزه دریای خزر و شمال آفریقا باعث تحول در روابط اتحادیه اروپایی با ایران و طرح مباحثاتی حول همکاری‌های چندجانبه و توسعه آن گردید.

تحولات بعدی نیز نشان داد که ایران و اتحادیه اروپا تمایلی برای به خطر انداختن منافع اقتصادی خود ندارند. سفر آقای خاتمی به چند کشور اروپایی از جمله فرانسه را می‌توان نقطه عطفی در روابط بین دو کشور

دانست. در واقع می‌توان گفت، روابط تهران - پاریس از زمان تصمیم اتحادیه اروپا به فراخوانی سفیران خود از تهران در 9 آوریل 1997م. تا دعوت رسمی ژاک شیراک از آقای خاتمی برای سفر به فرانسه در 21 اوت 1998م. چرخشی بسیار سریع و مثبت داشته است. چرخشی که در عرف روابط بین‌الملل می‌توان از آن به عنوان بهره‌برداری مناسب از فرصت‌ها یاد کرد. علی‌رغم تنوع موضوعات مطرح شده در جریان سفر آقای خاتمی، میان دو طرف، هیچ سخنی از تروریسم، فعالیت‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی به میان نیامد.

به هر حال در دوران آقای خاتمی روابط دو کشور در مسیر بهبود قرار گرفت. ملاقات وزیر خارجه فرانسه با همتای ایرانی خود در اوایل سال 1998م. در حاشیه بیست و هشتمین اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در سوئیس و تأکید بر تحکیم هرچه بیشتر روابط، ادامه مخالفت با قانون آمریکایی داماتو، سفر والرئیسکار دستن رئیس جمهور اسبق فرانسه به تهران، ملاقات مشاور رئیس جمهور فرانسه با دکتر ظریف معاون حقوقی و امور بین‌الملل وزارت خارجه و تأکید بر همکاری با ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، خلع سلاح و مواد مخدر، ادامه همکاری‌های نفتی با ایران، امضای قرارداد اعطای وام 900 میلیون دلاری بانک اعتبارات کشاورزی فرانسه به ایران (اسفند 1377) و ورود هیئت دوستی مجلس فرانسه به ایران و گفت و گو در مورد مسائل خاورمیانه، فلسطین و طرح صلح خاورمیانه از جمله تحولات مهم سال‌های 2000 - 1998 به شمار می‌رود.¹¹

حوادث 11 سپتامبر فصل جدیدی را در روابط بین‌الملل رقم زد که اثرات آن بر روابط تهران - پاریس نیز مشاهده می‌شود. پاریس که



از دیرباز از رشد بنیادگرایی در خاورمیانه و تسری آن به جهان احساس نگرانی کرده است در مبارزه علیه القاعده و سرنگونی طالبان در جنگ افغانستان در کنار واشنگتن ایستاد و از آن حمایت کرد. اما مخالفت فرانسه با جنگ عراق باعث کدورت روابط پاریس - واشنگتن شد. نگاه اقتصادی فرانسه به منابع انرژی شمال عراق باعث شد تا لندن و واشنگتن خواست پاریس در مخالفت با جنگ ایران و عراق را زیر سؤال ببرند.¹² مخالفت تهران با جنگ علیه عراق، بار دیگر موجب نزدیکی تهران و پاریس شد و هر دو کشور تلاش کردند تا از فرصت به وجود آمده استفاده نمایند.

نتیجه گیری

روابط ایران و فرانسه در فاصله سال های 1384 - 1357 فراز و فرودهای زیادی را به همراه داشته که تا حد زیادی تحت تأثیر متغیرهای سیستمی، منطقه ای و ملی بوده است. در ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی نقش و اهمیت محیط ذهنی - روانی بیشتر بود، در حالی که فرانسه پیوسته با بلوک غرب بود، ایران با سیاست نه شرقی - نه غربی عملاً با هرگونه سلطه گری دو بلوک مخالفت نمود. فرانسه در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، همگام با محدودیتها و فشارهای سیستمی علیه ایران عمل نمود. متعاقب پایان جنگ ایران و عراق و جنگ دوم خلیج فارس و به ویژه پس از فضای نظام بین المللی ناشی از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، فرانسه تلاش نمود تا با استفاده از سیاست مستقل و ضد آمریکایی ایران، موقعیت خود را در منطقه تقویت نماید و این امر فرصت مناسبی را در این مقطع برای ارتقای روابط دو جانبه ایجاد نمود. از طرف دیگر باید خاطرنشان ساخت که

علی‌رغم تلاش فرانسه برای بهبود روابط با ایران، در حال حاضر سیاست خارجی این کشور تحت فشارهای فزاینده آمریکا قرار دارد و لذا پاریس با محدودیت‌هایی مواجه است، از یک سو پاریس منابع انرژی در خاورمیانه را مدنظر دارد و از سوی دیگر اتخاذ مواضع یکسان با ایالات متحده سبب تیرگی روابط تهران - پاریس می‌گردد. اگرچه پاریس در تلاش است که دیپلماسی اعلامی و اعمالی خود را منطبق نشان دهد، اما عملکرد آن این گونه نیست و به نظر می‌رسد که حداقل تا مشخص شدن پرونده هسته‌ای ایران ادامه یابد. فرانسه نیز همانند آمریکا با تبدیل شدن ایران به قدرتی هسته‌ای در منطقه موافق نیست. در عین حال مخالف اعمال زور و تهدید علیه ایران است و در تضاد منافع خود با آمریکا در منطقه خاورمیانه، در پی جلوگیری از بسط سلطه همه جانبه آمریکا بر منطقه است و این امر باعث می‌شود تا فرانسه در سطحی دیگر از سیاست‌های ایران در مقابل آمریکا حمایت نماید. لذا به نظر می‌رسد که هم‌چنان دو طرف تحت تأثیر شرایط محیطی از فرصت‌ها و محدودیت‌های متعددی در روابط دو جانبه برخوردار می‌باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. امیر محمد حاجی یوسفی، *سیاست خارجی ج 1.1. در پرتو تحولات منطقه‌ای* (تهران: وزارت خارجه، 1384) ص 285.
2. حسین سیف‌زاده، *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مبانی و قالب‌های فکری* (تهران: سمت، 1376) ص 302-303.
3. همان، ص 303.
4. کامیاب منافی، *فرانسه* (تهران: وزارت خارجه، 1381) ص 176.
5. محمدکاظم سجادی‌پور، *مناسبات دیپلماتیک ایران و فرانسه پس از انقلاب اسلامی* (تهران: وزارت خارجه،) ص 125.
6. محمدکاظم سجادی‌پور، *مناسبات دیپلماتیک ایران و فرانسه پس از انقلاب اسلامی* (تهران: وزارت خارجه، 1374) ص 125.
7. غلامرضا علی بابایی، *نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه*، سیاست خارجی، ش 31، 1378، ص 33.
8. کتاب اروپا (3) (تهران: ابرار معاصر، 1383) ص 270.
9. غلامرضا علی بابایی، *پیشین*، ص 35.
10. همان، ص 36.
11. غلامرضا علی بابایی، *پیشین*، ص 38.
12. کتاب اروپا، *پیشین*، ص 272.

